

# مراسم قربانی نزد هندی - اروپاییان، هندیان و ایرانیان

دکتر صبا لطیف پور\*

## چکیده

قربانی کردن و مراسم مربوط به آن نقش مهمی در آیین‌های هندی - اروپاییان داشته است. در گذر زمان و با انشعاب این اقوام، این آداب و رسوم در میان اقوامی که از این گروه منشعب شدند یعنی اروپاییان، هندیان و ایرانیان باقی ماند و در هر یک از این گروهها به شکل خاصی جلوه‌گر شد. هدف از این مقاله معرفی کلی آداب مربوط به قربانی نزد ایرانیان و هندیان است و شرح این مطلب که پدیده مورد نظر نزد هر یک از اقوام این گروه بزرگ چه شکلی به خود گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، هند، قربانی، آیین مشترک.

## مقدمه

شکل‌های مختلف عمل قربانی در تاریخ تمدن بشر همواره وجود داشته است و از طریق این عمل و اعمال مرتبط با آن می‌توان به بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان و نگرش او به طبیعت پی برد. می‌توان گفت واژهٔ قربانی به مفهوم نثار کردن چیزی به وجودی ماوراءطبیعی است که با کشتن آنچه نثار می‌شود، همراه است. هدف از انجام قربانی ارتباط برقرار کردن با وجود والاتر است. به عبارتی دیگر، هدف از قربانی کردن این است که انسان چیزی را که در اختیار دارد، از طریق قربانی کردن به وجود بالاتر برساند.

## در بارهٔ واژه

نظریه‌ای سنتی وجود دارد که  $\sqrt{yaj}$  سنسکریت و  $\sqrt{yaz}$  اوستایی را با  $\sqrt{sag}$  یونانی و  $\sqrt{sak}$  لاتین و نیز واژهٔ sacer به معنی مقدس مرتبط می‌داند (Henninger, vol. XI, p. 544; James, vol. XI, P.1)؛ اما بنابر نظریه‌ای پذیرفته‌شده‌تر  $\sqrt{yaj}$  و  $\sqrt{yaz}$  به ریشهٔ باستانی  $\sqrt{ye\hat{g}}$  بازمی‌گردد. در ودایی به عمل قربانی کردن<sup>۱</sup> اشاره دارد و این عملی است که از طریق آن عنصری از دنیای انسان‌ها به دنیای خدایان منتقل می‌شود و به این ترتیب ارتباط میان دنیای انسانی و الوهیت برقرار می‌شود و خدایان تغذیه می‌شوند. این واقعیت که فعل سنسکریت، یک عمل مشخص و مثبت را نشان می‌دهد، تفاوت آشکاری با ذهنیت منفی دارد که házomai یونانی (از  $\sqrt{sag}$ ) شامل پرهیز از هرگونه تجاوز و جرم، می‌رساند. در واقع خلاء مفهومی موجود کمتر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد.  $\sqrt{yaz}$  اوستایی که معادل سنسکریت  $\sqrt{yaj}$  است، صرفاً به معنای قربانی کردن نیست، بلکه به مفهوم احترام گذاشتن به خدایان و همان  $\sqrt{yad}$  فارسی باستان است. این ریشه نه تنها در مفهوم قربانی کردن بلکه در مفهوم نیایش به طور کلی کاربرد دارد. در میان کلمات مرتبط، یک واژه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این واژه همان است که در ودایا تبدیل به لقب همیشگی خدایان می‌شود و در اوستا اسمی است که برای خدا به کار می‌رود، یعنی واژهٔ سنسکریت yajata و اوستایی yazata که ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن عبارت

۱. این واژه، ترجمهٔ واژهٔ انگلیسی sacrifice است. معنی اصلی واژهٔ قربانی کردن است. همچنین این واژه به معنی ستایش و نیایش کردن نیز هست.

است از «کسی که شایسته نیایش است». زمینه‌هایی برای رسیدن به این باور وجود دارد که فعل مورد نظر در ودایی مفهومی گسترده‌تر از «قربانی کردن» دارد و معنی آن بیشتر می‌تواند «عبادت کردن»<sup>۱</sup> باشد تا «قربانی کردن»<sup>۲</sup>. این مطلب را می‌توان این‌گونه نیز توجیه کرد که فعل  $\sqrt{yaj}$  همیشه با نام خدا در حالت رایی<sup>۳</sup> و نام فدیه در حالت بایی<sup>۴</sup> می‌آید: «نیایش کردن خدا را با چیزی». اگر این فعل به معنی قربانی کردن بود، انتظار می‌رفت ترکیب با اسم خدا در حالت برایی<sup>۵</sup> ساخته شود (Benveniste, p. 466-467).

### مفاهیم مختلف قربانی

درباره اینکه عمل قربانی ذاتاً چه مفهومی دارد و به چه هدفی در آیین‌های بشری به وجود آمده و تا این اندازه گسترش یافته است، نظریات گوناگونی مطرح شده است. برخی قربانی را نوعی هدیه از جانب انسان‌ها برای خدایان یا موجودات برتر دانسته‌اند تا آنان را راضی به برآورده کردن خواسته‌های انسان‌ها سازند، یا نوعی اتحاد و میثاق میان بشر و خدایان وی به شمار آید. برخی دیگر نظریه قربانی به عنوان غذای توتمی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. عده‌ای دیگر از دانشمندان نیز تئوری کاربرد قربانی به عنوان رابطی میان جهان پست‌تر با جهان بالا را مطرح نموده‌اند. قربانی به مثابه نوعی جادو نیز نظر تعدادی دیگر از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران نیز معتقدند قربانی اجرای مجدد برخی اتفاقات نخستین خلقت است. دیگرانی هم قربانی را واکنشی در برابر اضطراب بشر دانسته‌اند. برخی نیز آن را به عنوان سازوکاری برای جهت دادن به خشونت نهفته در ذات بشر شناخته‌اند (Henninger, vol. XI, P. 544-554).

### قربانی نزد هندی - اروپاییان

مراسم قربانی در بین‌النهرین باستان هم انجام می‌شد. در آنجا سومری‌ها دارای یک مجمع تخصصی از کاهنان بودند که تقویم کاملی از زمان برگزاری جشن‌ها و قربانی‌کردن‌های ضروری در اختیار داشتند. سامی‌های متجاوز تقویم را گرفتند و گسترش

1. colere

4. instrumental

2. sacrificare

5. dative

3. accusative

بیشتری به آن دادند. به این ترتیب، مراسم و آیین‌های نیایش و قربانی کردن هیتی‌ها به شدت تحت تأثیر اهالی پیش از هند و اروپایی آناتولی که زبانشان تا مدت‌ها در انجام مراسم مورد استفاده قرار می‌گرفت واقع شد، اما در عین حال از بین‌النهرین هم تأثیر پذیرفت.

در زمان هندی - اروپاییان رابطهٔ انسان با خدایان رابطه‌ای مبنی بر سود بوده تا رابطه‌ای مبنی بر عشق و احساس. انسان خدایان را دوست نداشته و خدایان هم انسان را دوست نداشتند. میان آنها نوعی داد و ستد برقرار بوده است. انسان برای خدا قربانی و نیایش می‌کرد و او هم به نوبهٔ خود، آنچه انسان خواسته بود به او عطا می‌کرد. این خواسته‌ها هرگز ماوراءالطبیعی نبود بلکه همیشه شامل فواید مادی بود مانند سلامتی، فراوانی چهارپا، فرزندان فرمانبر و قوی، پیروزی در جنگ و غیره.

به عبارت دیگر قربانی یک معاهدهٔ پیش‌پرداخت بود که خدا نمی‌توانست از آن سر باز بزند. اگر در جریان آیین قربانی، فرد نام خدا یا بخشی از دعا را اشتباه تلفظ می‌کرد، همه چیز بی‌اثر می‌شد (Campanile, p. 7).

آنچه در زمینهٔ قربانی میان دین‌های کهن هند و ایران و در اوستا و ودامشترک است و نشان‌دهندهٔ ریشهٔ هندی - اروپایی آنها است، این است که قربانی کردن مشارکتی است میان مؤمن و موجودی خیالی که در هر دو دین، مقام خدایی یافته است. این ایزد باید با هدایا و قربانی‌هایی خرسند شود تا برکت و لطف خود را به انسان ببخشد.

بر اساس نظریهٔ دومزیل<sup>۱</sup>، جامعهٔ هندی - اروپایی دارای سه طبقهٔ روحانیان، جنگجویان و چوپانان - کشاورزان بوده است و این طبقه‌بندی در اساطیر و خدایان هندی - اروپایی نیز تجلی یافته است. بر اساس این نظریه است که دانشمندان تلاش می‌کنند از راه شناخت اساطیر به شناخت جامعهٔ آن روزگار دست یابند. حوزهٔ مناسب‌تر برای بررسی این سه طبقه در میان هندی - اروپاییان اولیه، مراسم قربانی حیوانات نزد این قوم کهن است. بررسی جالب توجهی از این مسئله وجود دارد که چگونه طبقات مختلفی از قربانیان، نثار طبقات مختلفی از خدایان می‌شده‌اند. برخی از خدایان گوسفند، برخی گاو نر و برخی بز نر یا خوک و گراز دریافت می‌کرده‌اند. در اوستا بزرگترین ایزدانو که ایزد هر سه طبقهٔ اجتماعی محسوب می‌شد، اسب‌ها و گله‌های گاو و گوسفند

را به عنوان قربانی دریافت می‌کرد. قربانی اسب احتمالاً متعلق به خدایان طبقه جنگجو بوده است (Mallory, p. 130-136).

### قربانی اسب نزد هندی - اروپاییان

اسب احتمالاً با ارزش‌ترین قربانی هندی - اروپاییان بوده است. مراسم هندی - aṣva-medha به جا مانده از دوران هندی - اروپایی، در بهار و تحت نظارت چهار روحانی، با حمایت شاه و برای خدایان طبقه جنگجو انجام می‌شده است. مراسم aṣva-medha با قربانی اسب یا October equus در روم قابل مقایسه است. در ایرلند قرون وسطی نیز قربانی اسب وجود داشته است.

جان پوول<sup>۱</sup> aṣva-medha را با صورت پیش - هندی - اروپایی ekwo-mydhō\* با ترجمه انگلیسی horse-drunک مرتبط دانسته و نتیجه‌گیری می‌کند که در دوران هندی - اروپایی مراسمی با مرکزیت اسب وجود داشته که در آن مستی هم جزئی از مراسم بوده است (Puhvel, p. 159).

به کمک شواهد باستان‌شناسی می‌دانیم که در هند، اسب پس از قربانی شدن به سه قسمت تقسیم می‌شده و به سه خدای مختلف تقدیم می‌شده است که با سه طبقه خدایان جامعه هندی - اروپایی مطابقت می‌کند.

### قربانی انسانی نزد هندی - اروپاییان

قربانی انسانی نیز در میان هندی - اروپاییان وجود داشته، اما احتمالاً امری رایج نبوده است.

در میان سنت‌های ژرمنی و سلتی شواهدی برای الگوی مرگ سه‌گانه هست که در آن قربانی انسان یا مجازات مرگ در مدل سه‌گانه‌ای که ذکر شد، کاملاً واضح است و با مدل طبقات سه‌گانه دومی‌زیل مطابقت می‌کند. به عنوان مثال، گاول‌های<sup>۲</sup> کهن سه فدیه به سه خدا به وسیله آویختن، سوزاندن و غرق کردن تقدیم می‌کردند. این الگو در میان بت‌پرستان ژرمن نیز به شکل مجازات‌هایی از قبیل آویختن، خنجر زدن و غرق کردن دیده

1. Jaan Puhvel

2. Gauls

می‌شود که در آن هر روش مرتبط با جرمی است که مجرم/قربانی به آن محکوم شده است. برخی براین باورند که این قربانی‌ها از طرف سه طبقه اجتماعی برای سه رده خدایان اجرا می‌شده است. گاه اتفاق می‌افتاده که از میان این قربانیان یک نفر جان سالم به در می‌برده است.

بعدها که شکل آیینی مراسم فراموش شد، این مسئله به صورت داستانی از قهرمانی که سه بار می‌میرد در حکایت‌ها باقی ماند (Ward, p. 138).

این شباهت میان سنت‌های سلتی‌ها و ژرمن‌ها می‌تواند بر اثر نفوذ در فرهنگ‌های مشترک باشد یا می‌تواند به سبب دارا بودن پیشینه مشترک که همان دین هندی - اروپایی است باشد. البته نظر دوم بسیار محتمل‌تر است (ibid, p. 141-142).

به نظر می‌رسد قربانی انسان به یک خدا در نقش کاهنی یا قضایی، یا مجازات مرگ برای کسی که حرمت یا قواعد این گروه را نقض کرده است، به صورت آویختن بوده است. زیر پا گذاشتن قوانین جنگاوری یا قربانی به خدایان جنگ، مرگ به وسیله سوزاندن یا چاقو زدن بوده است و در نهایت خدایان باروری با قربانی غرق شده راضی می‌شده‌اند (Mallory, p. 138-140; Ward, p. 123-137).

در مورد قربانی سه‌گانه (سوزاندن در آتش، غرق کردن و زنده به گور کردن) داستانی در ادبیات فنلاندی وجود دارد که مشخصاً با سه طبقه شاه یا جنگجو، شهرنشین و روحانی در ارتباط است. نمی‌توان ثابت کرد که این داستان از اصل هندی - اروپایی آن گرفته شده باشد، اما ممکن است شواهد بیشتری برای اثبات آن یافت شود. شاید زمانی که این داستان به فنلاند رسیده، این بن‌مایه ساختار اجتماعی هندی - اروپایی را با سنت قربانی سه‌گانه در آن حفظ کرده باشد و الگوهای اجتماعی قوانین سوئدی این ارتباط را تقویت کرده باشد (Talley, p. 143-146).

### قربانی نزد هندیان

در مذهب ودایی و هندی کوچکترین و جزئی‌ترین مراحل قربانی کردن در میان برهمن‌ها، با آداب و رسوم خاصی انجام می‌شد و هر یک توجیه الهیات‌شناسی ویژه‌ای داشت. در قربانی کردن اسب یا *açva-medha* و سایر مراسم نیایش مثل پیشکش کردن

کره و نوشیدنی مقدس و سکرآور سومه، عناصر مشترکی با دنیای هندی - ایرانی وجود داشت، اما پس از مهاجرت آریایی‌ها به هند، تا حدودی با آیین‌های پیش‌آریایی‌ها<sup>۱</sup> یا ساکنان اولیه آن سرزمین در آمیخت. از طرف دیگر، بودیسم به طور کلی قربانی کردن را رد می‌کرد و گرایش به معنوی کردن سنت قربانی و جایگزین کردن آن با پرهیزکاری در پاره‌ای جریان‌های هندویسم هم دیده می‌شود.

بنابر ودا جهان مادی از قربانی کردن انسان اولیه و از اندام‌های او به وجود آمد و این داستان در ایدهٔ قربانی انسان نفوذ کرد.

بوداییان و جین‌ها در میان هندیان، از جمله گروه‌هایی هستند که به شدت با قربانی کردن و به طور کلی با کشتن حیوانات به هر سبب و بهانه‌ای مخالف‌اند. از بودا نقل است که در اعتراض به مراسم قربانی که در جامعهٔ وی برگزار می‌شد، گفت: «شادی من در قربانی یا پیشکش به خدایان نیست» (پاشایی، ص ۱۵۷).

بنابر عقیده‌ای هنگامی که هندیان خدایان خود را تجسم بخشیدند، در واقع برای دلجویی از آنها که بالاترینشان «ایندرا» بود، سرودهای مذهبی بسیار نوشتند و آتش مقدس را بر افروختند، اما گویا خواندن سرودها و مانترها را برای دعا و استمداد از خدایان به ویژه ایندرا کافی ندانستند و به این ترتیب بود که برخی از انواع قربانی ابداع شد. آنها چیزی را که با ارزش یا قابل احترام می‌دانستند، قربانی می‌کردند، به همین سبب روغن، کره و حیوانات خانگی مانند گاو و گوسفند و اسب و غیره را به شعله‌های آتش می‌سپردند. مراسم نیایش / قربانی با نوشیدن مایع سکرآور عصارهٔ سومه همراه بود. برداشت محصول خوب نشانگر خشنودی خدایان بود، بنابراین مردم با تحسین بسیار مراسم قربانی را به افتخار خدایان برگزار می‌کردند که طی آن عصارهٔ سومه به وفور نوشیده می‌شد (Sinha and Basu, p. 3-4).

در دوران ودایی و نیز در دورهٔ بعد از آن، پرستش خدایان بدون وجود معبد یا جایگاه خاصی انجام می‌شد. در آن زمان آیین‌های نیایش گروهی وجود نداشت و مراسم فدیه دادن محدود می‌شد به دعوت از خدایان برای رفتن به محل قربانی و خوردن و نوشیدن خوراک‌ها و نوشیدنی‌هایی که برایشان تهیه شده بود. جواهرات و لباس‌های گران‌قیمت و

ساز و برگ‌های دیگر نیز در این مراسم به خدایان اهدا می‌شود. همچنین در مکانی مناسب و با احترام بسیار از آنان پذیرایی می‌شود و نیز خواندن سرودهایی در ستایش آنان همراه با آوای موسیقی و پایکوبی مرسوم بود (Keith, Vol. I, P. 258).

برهمن‌ها در هند در مراسم یجنه نوعی قربانی انجام می‌دهند که شرح آن در زیر خواهد آمد:

پس از بررسی‌های دقیق، یک قوچ را انتخاب می‌کنند. حیوان باید بنا بر قول برخی کاملاً سفید و به گفتهٔ برخی دیگر کاملاً سیاه باشد. او باید تقریباً سه ساله، سالم و از هر جهت متناسب باشد.

یک puro-hita<sup>۱</sup> لحظهٔ مناسب و مطلوب آغاز مراسم را اعلام می‌کند و برهمن‌ها که گاه تعدادشان از دو هزار نفر بیشتر می‌شود، با شتاب به سوی محل تعیین شده، روی می‌آورند. ابتدا گودالی کنده می‌شود و پس از مراسم homam و مقدمات معمولی، آتش عظیمی به وسیلهٔ تکه‌های چوبی که از درختان مقدس خاصی<sup>۲</sup> و مقدار زیادی گیاه Darbha شعله‌ور نگاه داشته می‌شود برافروخته می‌شود. همهٔ چوبها و گیاهان را در روغن می‌خیسانند و به همین دلیل شعله‌های آتش تا ارتفاع زیادی بالا می‌رود. در همین حال puro-hita، مانتراها را با صدای بلند می‌خواند و حضار نیز بخش‌هایی از آن را با صدای بلند تکرار می‌کنند. سپس قوچی را که شسته‌اند و بر بدنش روغن مالیده و رنگ‌آمیزی کرده‌اند، به وسط مجلس می‌آورند. بدن و شاخ‌های او را با گُل می‌آریند و رشته‌هایی را که از گیاه Darbha درست شده است، محکم به دور بدنش می‌پیچند. puro-hita پیوسته مانتراها را تکرار می‌کند. البته این اقدامات را کارهای دیگری مانند بستن سوراخهای بینی، گوش‌ها و دهان حیوان تکمیل می‌کند و در همین حال، برهمن‌های حاضر در جلسه، ضربه‌های محکمی بر بدن جانور وارد می‌کنند و سرانجام یکی از آنها با فشار دادن زانوی خود بر روی گلوی قربانی، او را خفه می‌کند. در این حال puro-hita و همراهانش مانتراها را با صدای بلند تکرار می‌کنند و چنین می‌پندارند که با این کار قربانی سریع و بدون درد جان می‌سپارد. اگر قوچ در حین تحمل این شکنجه‌ها کوچکترین آه و ناله‌ای

۱. دسته‌ای از موبدان که معمولاً موبدان دربار شاهی را تشکیل می‌دهند.

۲. درختانی با نامهای icham, alai, asmta و porasu.



سر دهد، علامت بد و نامیمونی است و حاضران آن را چنین تعبیر می‌کنند که نسل برهمنی که یجنه را اهدا کرده است، به تدریج منقرض خواهد شد.

به محض اینکه حیوان می‌میرد، برهمنی که سرپرستی مراسم را عهده‌دار است، شکم او را پاره می‌کند و دل و اندرون و چربی‌های داخلی شکم را بیرون می‌کشد و به حالت معلق بالای آتش نگاه می‌دارد. چربی‌ها به درون آتش می‌ریزد و آب می‌شود. در همین حال کره آب شده را نیز بر آتش می‌ریزند. قربانی را پوست کنده، تکه تکه کرده و سپس در کره سرخ می‌کنند. قسمتی از آن به عنوان پیشکش در آتش افکنده می‌شود و بقیه آن میان برهمنی که سرپرستی انجام مراسم را عهده‌دار بوده و شخصی که هزینه اجرای مراسم را تقبل کرده است، تقسیم می‌شود. این افراد نیز به نوبه خود سهم خویش را میان برهمن‌های حاضر در مراسم توزیع می‌کنند و آنها نیز برای به دست آوردن تکه‌هایی از آن غذا تقلا می‌کنند و آن را به عنوان چیزی مقدس و متبرک تکه تکه کرده و می‌بلعند. تنها دم حیوان را برای قسمت نهایی مراسم نگه می‌دارند. این مسئله به شکل ویژه‌ای قابل توجه است زیرا تنها موقعیتی است که در آن برهمن‌ها بدون ارتکاب گناه از چیزی که حیات داشته و منشأ حیات بوده است تغذیه می‌کنند. سپس برهمن‌ها به آتش، برنج پخته و خام تقدیم می‌کنند. برنج خام را قبلاً به خوبی پوست کنده و تمیز کرده و شسته‌اند. همه اینها و چیزهای دیگری که در اطراف آتش گذاشته شده است، میان برهمن‌ها توزیع می‌شود. سرانجام شخصی که هزینه انجام مراسم را تقبل کرده است، به همه حضار بر اساس مقام و مرتبه هر کدام هدایایی که عمدتاً پول و لباس است تقدیم می‌کند.

در این مراسم چهار نوع قربانی از جمله اسب، گاو، فیل یا انسان ممکن است اهدا شود که قربانی اسب *açva-medha*، قربانی گاو *go-medha*، قربانی فیل *rajasuya* و قربانی انسان *nara-medha* نامیده می‌شوند. قربانی اسب همواره متداول‌تر بوده و به همین سبب کل مراسم قربانی گاه *açva-medha* نامیده می‌شود (Dubois, p. 578-580).

به عبارت دیگر برهمن‌ها از میان همه جانداران این پنج مورد را در فهرست قربانیان قرار داده بودند: انسان، اسب، گاو، بز که از میان آنها قربانی کردن سه حیوان آخر متداول بوده است. آنان جانوران وحشی، ماهی، پرند، خوک و سگ را قربانی نمی‌کردند، گوشت خوک و سگ را نمی‌خوردند و از گوشت بقیه قربانی‌ها هم به ندرت

استفاده می‌کردند (Keith, Vol. I, p. 279).

قربانی کردن اسب، بدین ترتیب بوده است که آن را پیش از تولدش انتخاب می‌کردند و سپس سه سال با نهایت دقت و زحمت پرورش می‌دادند و دراین مدت پیوسته نیایش‌هایی تقدیم ایندرا می‌کردند تا از آن حیوان مراقبت کند (Dubois, p. 578-580).

به طور کلی، بررسی مراسم قربانی با توجه به دوران طولانی انجام مراسم، بسیار پیچیده است. آداب و رسوم مراسم قربانی را نخستین بار نویسندگان برهمن مشخص کردند. با توجه به خصلت عجیب برهمن‌ها، مراسمی که آنها توصیف کرده‌اند به اندازه کافی روشن نیست. دلیل اصلی شکل‌گیری مکاتب گوناگون ودایی صرف‌نظر کردن از پاره‌ای توضیحات و رعایت ایجاز و اختصار در بیان برخی احکام و دستورات بوده است. این مکاتب به شرح مراسم خاص خود پرداخته‌اند که تا حدودی با دیگر مراسم متفاوت است و دلیل این امر نیز سنت‌های مختلف، تغییر شرایط، گذشت زمان و غیره بوده است. اگرچه متون *sūtra* با هدف ثبت مراسم و آیین‌ها به گونه‌ای منظم و قابل فهم نگاشته شده‌اند، اما سبک آن به نحوی است که شناخت دقیق مراسم را دشوار می‌کند و بدون استفاده از کمک‌های بیرونی، درک آنها مشکل است. در هر یک از آیین‌ها مواردی هست که جز با توسل به تعبیر و تفسیر نمی‌توان حتی به شکل نسبی آنها را فهمید. بنابراین نمی‌توان تصویر کامل و دقیقی از مراسمی که در دورهٔ برهمن‌ها اجرا می‌شده است به دست آورد. لازم به ذکر است که از دورهٔ *Brāhmaṇa* تا دورهٔ *prayogakāra* تحولی تدریجی در آیین نیایش صورت گرفته است (Kashikar, p. 90-93).

در رابطه با دادن پیشکش به خدایان، طبیعتاً اشخاص، فدییه‌هایی را تقدیم می‌کنند که خود از خوردن آنها لذت می‌برند و این امر در بیشتر موارد به صورت یک قانون در آمده است. هندی‌های ودایی به کشاورزی و دامداری می‌پرداختند و به این ترتیب آنها نه تنها شیر و فرآورده‌های آن، بلکه حبوبات را نیز تقدیم می‌کردند. اما از نظر روحانیان، اهدای حیوانات و سومه اهمیت و ارزش بیشتری داشت (Keith, vol. I, p. 278).

در مراسم سومه، معمولاً گراز قربانی می‌شد. کشتن گراز در این مراسم به شکل کشتن یک دشمن دیده نمی‌شد، بلکه به عنوان بازی منتخب توسط شکارچی مذهبی نگریسته

می‌شد. ضربه زدن به قربانی برای کشتن او بهترین چیزها<sup>۱</sup> را برای قربانی کننده به ارمغان می‌آورد (Aiyangar, p. 188-189).

همچنین گونه‌ی خاصی از قربانی حیوانات در هند وجود دارد که aikādaçina نام دارد. بعدها مراسم ساده‌تری که در agniṣṭoma وجود دارد جایگزین آن شده است. در این مراسم به جای یک قربانی که در agniṣṭoma توصیه شده، یازده قربانی صورت می‌گیرد و مراسم طولانی‌تر می‌شود زیرا برای هر قربانی باید آیین رسمی کشتن انجام شود. البته کارهای کلی برای هر یک از قربانی‌ها تکرار نمی‌شود. به جای یک تیر سیزده تیر در نظر گرفته می‌شود. تیر وسط را نزدیک آتش قرار می‌دهند و دو تیر هم در دو طرف آن نصب می‌کنند. رسم بر این است که ارتفاع این تیرها از شمال به جنوب افزایش یابد. به تیر وسط، قربانی مخصوص اگنی را می‌بندند، در سمت شمال آن گوسفندی است که برای سرسوتی<sup>۲</sup> در نظر گرفته شده است و در جنوب آن بز که قربانی مخصوص سومه است و به همین ترتیب ادامه می‌یابد، و در پایان قربانی مخصوص ورونا به تیر جنوبی بسته می‌شود. پس از تقدیم اندرون گاو به آتش، مقدمات لازم برای تقدیم یک قربانی به tvaṣṭr فراهم می‌گردد، اما آن قربانی که باید به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای باشد که پس از گرداندن به دور آتش آزاد می‌شود و به جای آن کره اهدا می‌کنند و با این کار مراسم پایان می‌یابد (Keith, Vol. II, p. 333-334).

### قربانی اسب نزد هندیان

مراسم هندی قربانی اسب یا açva-medha توسط چهار روحانی اصلی (Brahman، Adhvaryu و hotṛ، Udgātar) و با حمایت یک شاه که قربانی را به خدایانی که نمایانگر طبقه جنگجو بودند تقدیم می‌کرد، انجام می‌شده است.

در مراسم مقدماتی، شاه باید شب را پاکدامنانه با همسر محبوبش در کنار آتش خانگی یا grāhapatyā می‌گذراند. یک اسب نر با ارزش به عنوان قربانی انتخاب می‌شد و سپس مراسم آماده‌سازی برای او صورت می‌گرفت از جمله اینکه از آبگیر نم نم به او آب می‌پاشیدند و در همان زمان سگی کشته می‌شد و به زیر اسب آورده می‌شد. سپس اسب به مدت یک سال همراه با صد اسب اخته شده یا پیر آزاد می‌شد تا بگردد. ۴۰۰ جنگجو

1. Vara(s)

2. Sarasvatī

(به عبارت دیگر ۴۰۰ مرد جوان از طبقات مختلف) او را دنبال می‌کردند تا مطمئن شوند که او آمیزشی با مادیان‌ها ندارد، زیرا این عمل تقدس قدرت را کم می‌کند. آنها او را به سمت شمال شرقی راهنمایی می‌کردند. این گردش یک سال به طول می‌انجامید و در همین حین کارهای مقدماتی در خانه انجام می‌شد. در سه روز انتهایی سال مراسم خاصی برگزار می‌شد. در انتهایی سال یک آتشدان بزرگ برپا می‌شد و شاه یک تشریف هفت یا دوازده روزه را می‌گذراند که شامل روزه و دیگر رعایت‌ها بود. در این مدت یک سکو و آتشدان دیگری برای آتش grāhapatya ساخته می‌شد و سومه آماده می‌گشت. نخستین روز معمولاً هنگام بدر کامل ماه بود. در روز دوم مراسم اصلی قربانی، شاه سوار یک ارابه می‌شد که توسط اسبِ قربانی و سه اسب دیگر کشیده می‌شد. اسب قربانی توسط چهار همسر والاطر شاه تدهین و یال و دم او با مروارید آراسته می‌شد. بنا به تعاریفی این اسب با ۱۰۱ قطعه طلا آراسته می‌شد.

سه قربانی اصلی اسب نر، قوچ نر بدون شاخ و گاو نر بودند، اما در منابع از ۳۳۶ یا ۶۰۹ قربانی سخن رفته است. در متون، از دو دستهٔ یازده تایی فیل نیز به عنوان همراهان قربانی یاد شده است. اما معمولاً ترجیح داده می‌شد حیوانات وحشی به جای کشته شدن، رها شوند. اسب را با خفه کردن می‌کشتند. سپس قربانی را قطعه قطعه کرده و پاداش روحانیان را نیز با آن می‌دادند.

در پی هدایای روز سوم، شستشوی نهایی صورت می‌گرفت و سرزمین‌های تسخیرشده تقسیم می‌شد (Puhvel, p. 160-161; Kith, vol. II, p. 343-347).

در مراسم دیگری نیز اسب را قربانی می‌کردند، مثلاً اسبی که ارابهٔ شاه را حمل می‌کرده قربانی می‌شده است یا پس از مرگ همسر شاه، اسبی را خفه می‌کردند (Mallory, p. 135-136). به نظر می‌رسد مراسم açva-medha پیوندی آیینی میان شاه و الهه یا پیوند الهه/ملکه با حیوان بوده است (Puhvel, p. 168).

معمولاً شاهان برای گسترش قلمرو خود اسب قربانی می‌کردند. فهرستی از شاهان باستانی که این عمل را انجام می‌دادند در دست است (Keith, Vol. II, p. 343).

### قربانی انسان نزد هندیان

قربانی انسان یا puruṣa-medha یا nara-medha صورت دیگری از قربانی در هند

بوده و با *açva-medha* قابل مقایسه است. در زمان برگزاری مراسم *puruṣa-medha*، *nara-medha* یا *yajña-puruṣa* سرود *puruṣa-sūkta* خوانده می‌شد و آیین مطابق آن صورت می‌گرفت (Aiyangar, p. 476-477, 479).

در گونه‌ای از این مراسم که با عنوان *puruṣa-medha* معروف است، یک *kṣatrya* یا *brāhmaṇa* به عنوان قربانی از خانواده‌اش خریداری می‌شد. پس از مراسم اولیه برای یک سال آزاد می‌شد و در هر چیز به جز روابط جنسی آزاد بود. اصل مراسم در پنج روز اجرا می‌شد (بر خلاف *açva-medha* که سه روز بود). قربانی آراسته می‌شد و در دومین روز (همان‌گونه که در مورد اسب بود) با فشردن گلو خفه می‌شد. همراه او یک قوچ بدون شاخ و یک گاو نر نیز کشته می‌شدند. تلاش برای یافتن سرمنشأ این کار در ریگ ودا با شکست مواجه شده است. ظاهراً شاه در چنین شرایطی می‌بایست همه دارایی خود را رها کرده و مانند یک درویش گدا سرگردان شود، اما به نظر می‌رسد این یک قاعده اختیاری بوده است. در برخی منابع به کشتن ۱۸۴ نفر از طبقه‌های مختلف اجتماعی اشاره شده است. باید خاطر نشان کرد که آیین سر بریدن انسان به هیچ وجه در *Brāhmaṇa*ها نیامده است، در *Gatapatha* و *Taittirīya* و سوتراهای آنان نیز صرفاً فدیۀ انسان به صورت نمادین آورده شده است و مطلب به این صورت آمده است که انسان را مانند حیوانات وحشی در قربانی اسب رها می‌کردند تا به راه خود برود، به این ترتیب قربانی واقعی و عملی انسان تنها در مدارک سوتراهای *Vaitāna* و *Ānkhāyana* آمده و در سوتراهای اولیه به آن اشاره‌ای نشده است. در ادبیات ودایی به جز مورد کاملاً متفاوتی از استفاده یک انسان و چهار قربانی گاو برای تقدیم در پای محراب بزرگ آتش، هیچ نشانه دیگری از قربانی کردن انسان به چشم نمی‌خورد. در حال حاضر برهنه‌ها دیگر این قربانی را انجام نمی‌دهند بلکه در صورت لزوم، از سر انسانی که در اثر رعد و برق یا اصابت تیر کشته شده باشد استفاده می‌کنند و هرگز انسانی را برای این کار نمی‌کشند و معمولاً سر یک بز برای مراسم کفایت می‌کند (Puhvel, p. 161; Keith, Vol. II, p. 347-348).

برخی مانند اولدنبرگ، قربانی انسان را تقلیدی از قربانی اسب دانسته‌اند و حقیقت تاریخی آن را انکار می‌کنند (oldenberg, p. 204). در مه‌پهاراتا آمده است که یک نفر ۱۰ هزار قربانی انسانی یا *puruṣa-medha* انجام می‌دهد. برخی حتی قربانی اسب را نیز

انکار می‌کنند. می‌توان گفت که *puruṣa-medha* در بدترین حالت متروک و در بهترین حالت غیرواقعی است. به نظر برخی چنین می‌رسد که *açva-medha* جایگزینی برای *puruṣa-medha* بوده باشد (Puhvel, p. 161-162).

به هر حال روشن است که قربانی انسان بخشی از نظام برهمنی بوده است. در میان هندوها در هند نیز شواهد انکار ناپذیری در مورد قربانی انسان وجود دارد. احتمالاً در مراسمی با نام *satki* دوشیزه‌ها قربانی می‌شده‌اند (Dubois, p. 730-731). در مراسم یجنهٔ بزرگ که معمولاً در آن اسب قربانی می‌شد، باور بر این بود که خدایی که فدیهِ به او داده می‌شود، قربانی انسانی یا *nara-medha* را ترجیح می‌دهد. معمولاً با هدف اطمینان از پیروزی در جنگ‌ها، از اسرای جنگی برای این کار استفاده می‌شد. جایگاه این مراسم نیایش/قربانی در کوهستان یا مکان‌های مرتفع دورافتاده بوده است. معمولاً راجه‌ها<sup>۱</sup> این کار را انجام می‌دادند. هنوز معابد و مجسمه‌های خدایی را که قربانی برای او انجام می‌شد، می‌توان در چنین مکان‌هایی یافت. قربانی‌ها گردن زده می‌شدند و سر آنها در مقابل خدای تشنهٔ خون آویخته می‌شد.

گاهی قربانی‌کننده‌ها بینی و گوش زندانی را می‌بریدند (که تنبیه رایجی در هند بود) و سپس او را رها می‌کردند و خود را با همین کار راضی می‌کردند (idem, p. 731).

در کتابی که در اینجا از آن نقل قول می‌شود و اولین چاپ آن سال ۱۹۰۶ میلادی است، نویسنده ذکر می‌کند که افراد مسن برای او تعریف می‌کردند که مراسم قربانی انسانی تا زمانی که آنها جوان بوده‌اند انجام می‌شده است. بنابراین تا اواخر قرن ۱۹ مراسم قربانی انسانی در هند رواج داشته است. بنا بر گفتهٔ کسانی که این مطالب را تعریف می‌کنند، از نظر فرمانروایان آن زمان، هیچ مسئلهٔ خلاف شرع و قانون و حقوق انسانی در اجرای این مراسم وجود نداشت. آنها معتقد بودند که انتقام در جنگ رواست و این مطلب از نظر مردم هم بدون هیچ وحشتی پذیرفته می‌شد. راولیان داستان‌های قربانی‌های انسانی، از این مطلب با نهایت بی‌تفاوتی صحبت می‌کردند، گویی که طبیعی‌ترین چیز دنیا بوده است (ibid).

حضور مسلمانان و مسیحیان و انزجار آنان از این عمل، به تدریج سبب فسخ چنین مراسمی شد. اما در استان‌های کوچک و مستقل تا اوایل قرن بیستم چنین روشی مرسوم بوده است.

قربانی انسانی در دوران قدیم و جدید در معابد هندو رواج داشته و *kali-purana* کتابی است که این مطلب را در دوران کهن تأیید می‌کند. از میان خدایان خونخواه Nandi، Yama، Bahirava و بالاتر از همه، الهه Kali است (idem, p. 732). حتی در برخی از روایات آمده است شخصی فرزند خود را به شاه می‌فروشد تا از او به عنوان قربانی استفاده کنند (Aiyangar, p. 343-344).

شاهان و شاهزادگان از اهدای قربانی انسانی لذت می‌بردند و آن را حق مسلم خود می‌پنداشتند. این قربانی‌ها هرگز از میان طبقات برهمن‌ها و کشتی‌ها انتخاب نمی‌شدند (Dubois, ibid).

### قربانی در متون مقدس هند

در متون مقدس هند از جمله ریگ ودا، مسائل مختلفی دربارهٔ قربانی آمده است. در این متون معمولاً قربانی و سومه در ارتباط با هم قرار دارند. ایندرا و ویشنو خدایانی هستند که با سومه و قربانی ارتباط مستقیم دارند. در برخی داستان‌ها آمده است که ویشنو برای ایندرا، سومه آماده می‌کند و وی آن را می‌نوشد، همچنین برای او خوراک تهیه می‌کند (R.V., VIII., 66, 10). از چنین داستان‌هایی می‌توان به این نتیجه رسید که ویشنو با قربانی ارتباط مستقیم دارد. در جایی دیگر (R.V., V, 29, 7) آمده است که اگنی برای دوست خود ایندرا ۳۰۰ بوفالو می‌پزد و او آن را می‌خورد و سه برکه سومه می‌نوشد و به جنگ می‌رود، از این مطلب چنین برمی‌آید که اگنی خدای قربانی است.

چنین برداشت می‌شود که ویشنو برای اینکه خدای قربانی باشد، خصوصیت‌های اگنی و سومه را با هم ترکیب کرده است (Airiyanger, p. 184). ویشنو در قالب خدای قربانی، کل کیهان را از محوطهٔ قربانگاه با سه قدم طی می‌کند. او با نخستین قدم زمین، با دومین قدم فضای میانی و با سومین قدم آسمان را می‌پیماید (idem, p. 253-282).

## قربانی نزد ایرانیان

از آنجا که در این مقاله تقسیم‌بندی‌ها به لحاظ آیینی بوده است و نه جغرافیایی، بنابراین مراسم مربوط به پارسیان هند نیز در زمرهٔ مراسم ایرانیان طبقه‌بندی شده است.

## قربانی نزد زرتشتیان

قربانی کردن حیوانات در بعضی از قدیمی‌ترین اشکال دین ایرانی وجود داشت که از دورهٔ هندوایرانی برجای مانده بود. زرتشت در خلال اصلاحات خود این مراسم را ملغی کرد. در دوره‌های بعد، این قربانی کردن‌ها دوباره تا حدودی مرسوم شد. البته قربانی‌ها را به اهورامزدا تقدیم نمی‌کردند بلکه به موجودات آسمانی فرودست یا به عبارتی ایزدان پیشکش می‌دادند. قربانی‌های غیرخونین که به ویژه شامل نوشیدنی مقدس و سکرآور هئومه بود، همچنان از اهمیت خاصی برخوردار مانده است. به هر حال چنانکه متن یشت‌ها نشان می‌دهد، دین زرتشتی قربانی خونین را پذیرفت، اما قربانی راستین دین زرتشتی همان آیین رازآمیز هوم یا هئومه بدون خونریزی همراه با دعاها و سرودهای گاهانی است.

مراسم یزشن زرتشتی که امروزه در میان پارسیان هند برگزار می‌شود قربانی حیوانی ندارد، اما در ایران در برخی از شهرها و روستاها هنوز در مراسم یزشن قربانی انجام می‌شود. احتمالاً آیین یزشن همراه با قربانی به دو صورت در ایران وجود داشته است، در یکی قربانی پیش از مراسم و در دیگری در حین مراسم انجام می‌شده است (Boyce 2, p. 68-69). در کتاب‌های پهلوی، قربانی حیوانات جایگاه ویژه‌ای دارد و بسیار در مورد آن سخن گفته شده است. در یشتهای نیز اهمیت قربانی کاملاً آشکار است. در «تیشتر یشت» یا «تیر یشت»، در بند ۵۸ آمده است که «اهورامزدا گفت از برای تیشتر ممالک آریایی باید یک گوسفند بریان کنند؛ سفید یا سیاه یا رنگ دیگر اما یک‌رنگ باشد». در ادامه در بند ۵۹ آمده است که «به بدکاران نباید از آن قربانی چیزی برسد در غیر این صورت تیشتر چاره و درمان را از سرزمین برمی‌گیرد».

اما در «بهرام یشت»، بندهای ۵۴ و ۵۵ سخن از ستمی است که بر گاو می‌رود مثل کشتن و جدا کردن اندام‌ها. برخی بر این عقیده‌اند که کشتار گاو و آیین هوم از انجمن



پرستندگان مهر یا میثره در انجمن گاهانی وارد شد و به سبب قربانی گاو، زرتشت با آن پیکار می‌کرد. البته چنین نیز می‌توان تصور کرد که کشتن اینگونه گاو که این قطعه نیز بر ضد آن است، با عادات انجمن دینی مهر نیز ناسازگار بوده و این روش تنها برای کشتن حیوانات وحشی به کار می‌رفته است (نیبرگ، ص ۷۴).

کاما محقق که خود از پارسیان هند است نیز مقایسه‌ای میان آیین میثره و آیین قربانی انجام داده است. به عقیده او میثرا در ادبیات زرتشتی به شکل کسی معرفی می‌شود که وظیفه نجات گاو ربوده شده توسط قبیله وحشی مجاور را بر عهده دارد. آنها خون گاو را می‌ریزند که این عمل با عقاید زرتشتی ناسازگار است. با این حال وی اضافه می‌کند که زرتشتیان، کشته شدن گاو نخستین و به‌وجود آمدن حیوانات و گیاهان از بدن او را در داستان‌های خود دارند. مرد جوانی که نماد میثرا است، همان موبدی است که اجرای مراسم مرتبط با قربانی بر عهده اوست. زرتشتیان ایرانی امروزه قربانی را به همان روش انجام می‌دهند. گردن را می‌برند، سر را جدا می‌کنند، جگر را بیرون می‌آورند و در مراسم هوم استفاده می‌کنند و حیوان را کباب می‌کنند. حداقل یک لقمه از آن را می‌خورند و یک تکه را به خانه می‌برند تا آن عده از افراد خانواده که نتوانسته‌اند در مراسم شرکت کنند از آن بی‌بهره نمانند. اما پارسیان ترجیح می‌دهند نیایش را در فضای آزاد انجام دهند (Cama2, p. 331-332).

یک نکته جالب توجه، اشاره به قربانی‌های فراوان در «گوش یشت» یا «درواسپ یشت» است. در این یشت بارها به قربانی کردن صد اسب، هزار گاو و صد هزار گوسفند اشاره شده است. در بند ۳ مشاهده می‌شود که برای درواسپ هوشنگ پیشدادی صد اسب، هزار گاو و صد هزار گوسفند قربانی می‌کند. در بند ۱۳ فریدون، در بند ۲۱ خسرو<sup>۱</sup> و در بند ۲۹ کی ویشناسپ با همین تعداد قربانی و نثار از درواسپ درخواستی می‌کنند و او آنها را برآورده می‌سازد.<sup>۲</sup>

در روایت‌های مورخان یونانی نیز درباره قربانی خونین و تکه تکه کردن گوشت قربانی در ایران شرح داده شده است (هرودوت، کتاب اول، بند ۱۳۲؛ استرابو، کتاب ۱۵، بخش ۳، بند

1 Haosrava

۲. فعلی که در اوستا به کار رفته و به قربانی کردن ترجمه شده است، yazata سوم شخص از  $\sqrt{yaz}$  است.

۱۳). برخی از آنان مانند استرابو روایت‌هایی را در مورد نوعی قربانی حیوان بدون خونریزی و با ضربه زدن نقل می‌کنند (کتاب ۱۵، بخش ۳، بند ۱۳). البته استرابو به رایج بودن این شیوه در میان هندوها نیز اشاره کرده است (کتاب اول، بند ۵۴).  
قربانی در میان زرتشتیان ایران توسط موبد اصلی که برش‌نوم داشته است انجام می‌شده است. در آخرین یزشن، سوشیانس این جایگاه را خواهد گرفت و گاو هذیوش<sup>۱</sup> را قربانی می‌کند (Boyce, p. 2, 70).

از آنجا که امروزه تعداد موبدان کم شده است، به ناچار قربانی‌کننده فرد غیر روحانی است، اما حتماً باید برش‌نوم داشته باشد. او مطابق آیین، حیوان را می‌کشد و در آخرین لحظه بوسه‌ی پشیمانی بر گونه‌ی چپ او می‌زند. سپس سر او را می‌برد و کنار می‌گذارد و زبان او را بریده، در ظرف نقره‌ای که در آن میوه، تخم مرغ پخته شده و میوه‌های خشک است می‌گذارد و برای تقدیس کردن نزد موبد می‌برد.

گوشت تازه‌ی قربانی که توسط موبد تقدیس می‌شود، «میزد» نام دارد. سپس این گوشت با آداب خاصی توسط برگزارکنندگان پخته و خورده می‌شود. دیگر قربانی‌ها یا فدیة‌های غیر خونین مراسم، شامل گل، میوه و عطرها می‌شود (Cama1, p.66).

نوعی از قربانی وجود دارد که در آن اعضای بدن حیوان پس از قربانی شدن، جدا می‌شوند. به طور کلی قربانی‌هایی که در میان زرتشتیان رایج است به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست مراسمی که در آن اندام‌های قربانی جدا و معمولاً هر کدام به ایزدی خاص پیشکش می‌شود، و دیگری مراسمی که در آن اندام‌های قربانی به هیچ عنوان جدا نمی‌شوند و حیوان قربانی که معمولاً گاو یا گوسفند است به طور کامل در تنور گذاشته و یکجا پخته می‌شود.

مطابق بندهای ۴ و ۵ «هوم یشت»، دو آرواره، زبان و چشم چپ قربانی، متعلق به ایزد هوم است. بنابراین گونه‌ای از قربانی دیده می‌شود که در آن اندام‌های قربانی جدا می‌شود.

مطابق دیدگاه زرتشتی از زمانی که مرگ در جهان پدید آمد و اجتناب ناپذیر شد، حیوانات باید بمیرند تا به انسان ناکامل سود برسانند. اما حیوانات باید مطابق آیین کشته

شوند. اگر ایزد هوم سهم خود را دریافت نکند یا حیوان قربانی تقدیس نشده باشد، قربانی‌کننده مرتکب گناه شده است.

بنابر گزارش بویس در سال ۱۹۷۰ میلادی در روستاهای سنتی زرتشتی‌نشین مانند شریف‌آباد و مزرعه کلانتر رسم ذبح حیوانات همچنان وجود داشته است.

در مراسم قربانی زرتشتیان ایران، حیوان نابالغ، گوسفند یا گاو ماده، خروس و مرغ تخم‌گذار نباید کشته شوند. امروزه می‌گویند اسب و میمون نیز نباید کشته شوند. تنها کشتن گاو و گوسفند نر و حیواناتی که برای خوردن کشته می‌شوند، جایز است. از این قربانی نیز بخش مربوط به ایزد هوم همیشه کنار گذاشته می‌شود.

با توجه به مسئله هزینه (که در کتاب‌های پهلوی تأکید شده است که باید توسط دینداران تأمین شود)، طبیعی است که پیشکش قربانی، گوسفند یا بز باشد. اما منوچهر در نخستین نامه‌های خود که خطاب به جماعت دینی نگاشته است، می‌نویسد در زمان گاهنبار، زوهر خر و خوک به آتش تقدیم می‌شد و تأکید می‌کند که این زوهر پاک است. در وندیداد به زئوثره (زوهر) گاو اشاره شده است. چنین به نظر می‌رسد که تنها پس از گذشت چندین قرن معتقدات مسلمانان (درباره ناپاکی خر و خوک) و باورهای هندوها (درباره تقدس فوق‌العاده گاو) تأثیر خود را بر زرتشتیان در انجام چنین آیین‌هایی بر جای گذاشت.

منوچهر در متنی که هم‌اکنون به آن اشاره شد، از عبارت *zōhr ī xar ud xūg* (زوهر خر و خوک) استفاده می‌کند و سپس می‌نویسد: این گوشت برای تقدیم به گاهنبار باید پاک شود.<sup>۱</sup> در اینجا به نظر می‌رسد دو واژه زوهر و گوشت به جای یکدیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ یعنی واژه زوهر که در این متن نه تنها برای اهدای چربی به آتش بلکه برای اهدای گوشت به خدایان نیز به کار می‌رود، هنوز هم در مراسم زرتشتی (به ویژه زرتشتیان ایران) حفظ شده است (Boyce 1, p. 102-103).

در فصل یازدهم شایست ناشایست، از اختصاص اندام‌های گوسفند قربانی به ایزدان سخن رفته است. مطلب کهن آن احتمالاً به آیین باستانی «یشت گوسفندی» بازمی‌گردد که در آن گوسفند یا گاو و ستور را هنگام خواندن یسنا قربانی می‌کرده، می‌پخته و می‌خورده‌اند و در این مراسم، یسنا به صورت نیایشی همراه با برگزاری مراسم قربانی

1 Phl. hān gōšt pad pākī wizrēnīd pad be dādan ō gāhānbār

خوانده می‌شد. تصور بر این است که آیین «یشت گوسفندی»<sup>۱</sup> از دیرباز جای خود را به «یشت با زوهر»<sup>۲</sup> یا «یشت با گوشدا» داده است که در آن قربانی کردن پیش از آغاز سرودن یسنا انجام می‌گرفته و گوشت آمادهٔ آن در سر سفرهٔ میز قرار می‌گرفته است. نظیر این قطعه در کتاب روایت پهلوی، فصل ۵۹ هم هست که آن را باید روایتی دیگر از همین مطلب دانست. مطلبی همانند آن در نیرنگستان نیز آمده است (مزداپور، ص پانزده - شانزده). این گونه تمایز، با نخستین تقسیم‌بندی که در رابطه با قربانی نزد زرتشتیان به آن اشاره شد، مطابقت دارد.

باور بر این است که گوشداگ یا گوشدا با صورت اوستایی -gəūš.hūδā- که در این متن از آن سخن به میان می‌آید، فدیۀ جامد از فرآورده‌های حیوانی است. گوشداگ عادی در هندوستان غالباً کره و در ایران تخم مرغ است، اما در مراسم ویژه گوسفند را قربانی و آن را در تتور بریان می‌کنند. شیوهٔ امروزی یزشن خوانی با این گونه گوشداگ باید صورت ساده شدهٔ یشت با زوهر باشد که در آن گوسفند را پیش از خواندن یسنا قربانی می‌کردند و پیش از آن زوهر یا پیه گوسفند را بر آتش می‌گذاشتند (شایست ناشایست، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ روایت داراب هرمزدیار، ج ۲، ص ۴۵۷؛ Boyce2, p. 67-68). ظاهراً در فصل یازده شایست ناشایست، شیوهٔ دیگری از یشت کردن مطرح است که «یشت با گوسفند» نام داشته و با شیوهٔ کهن قربانی کردن نزد هندی - ایرانیان ارتباطی نزدیک‌تر داشته و در هنگام خواندن یسنا قربانی انجام می‌شده است. در این شیوه، پیش از خواندن یسن ۸، قربانی را به یزشنگاه می‌آوردند و پس از کشتن و پختن آن، هنگام خواندن یسن ۳۴ از هفت هات از آن چاشنی می‌گرفتند. یشت گوسفندی در تقابل با یشت گوشدایی است که در آن گوسفند درسته بریان می‌شده و یکجا یشته می‌شده است. همان گونه که اشاره شد، همین تمایز در گوشدا و غیر از آن در روایت پهلوی نیز دیده می‌شود.

مسئلهٔ مهم این است که در هر صورت چه قربانی به شکل کامل بریان شود و چه قطعات آن از هم جدا شوند، حیوان قربانی موجودی است که تماماً به خدایان اهدا می‌گردد. اما باز گفته شده است که خدایان تنها به بوی قربانی نیاز دارند و با آن خرسند می‌شوند. دلیل اینکه حیوان قربانی را بریان می‌کنند نیز باید همین امر باشد (Boyce1, p. 103-104).

1. Yašt ī pad gōspanđ

2. Yašt ī pad zōhr

دربارهٔ گوشدا در روایت پهلوی مطالب دیگری نیز آمده است. مثلاً شیر برای گوشدا مناسب است. گوشت پخته و برشته و نمک‌سود و گوشتی با اندکی برشته‌گی نیز جایز است و خلاف گفتهٔ برخی گوشت خام جایز نیست.

در این کتاب از قول افراد مختلفی دستورات متفاوت در مورد خوردن گوشت خام آمده است. همچنین دربارهٔ گوشدا آمده است که تخم مرغ و گوشت می‌توانند به عنوان گوشدا به کار روند. گوشدای گاو برای گاهنبار به سبب پرگوشتی و کم‌جانی بهتر است. شتر و خوک و گوسفند ماده، از گاو کوهی بهتر است و خروس را به‌جز برای مقاصد مهم یا برای درمان نمی‌توان کشت.

در شایست ناشایست و روایت پهلوی دستوراتی دربارهٔ تقسیم اندام‌های قربانی و نثار آنها به ایزدان و امشاسپندان آمده است (شایست ناشایست، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ روایت پهلوی، ص ۷۶). در دینکرد هشتم، فصل ۶ نیز به این مسئله پرداخته شده است که کدام بخش از حیوان قربانی باید به کدام ایزد پیشکش شود.

بنابر نظر نیبرگ شاید آیین قربانی همراه با نوشیدن هوم براساس بندهای ۱۲ تا ۱۴ یسن ۳۲ از سوی مردمانی به نام grāhna به انجمن دینی زرتشتی راه یافته باشد. وی مطابق بند ۱۰ نیز چنین استدلال کرده است که در این آیین شرکت‌کنندگان در مراسم قربانی اگر چشم بر گاو و خورشید می‌انداختند مرتکب گناه می‌شدند، پس می‌توان چنین برداشت کرد که این آیین در هنگام شب برگزار می‌شده است (نیبرگ، ص ۱۹۹).

زرتشت معتقد است قربانی همواره جزئی از آیین یزشن بوده است و این قربانی یک قربانی کاملاً آیینی است. چون در ترجمه‌های پهلوی یسنا، به اصل ذبح گاو اشاره شده است و سوشیانس هم در آخرین یزشن، عمل قربانی را با کشتن گاو هدیوش انجام می‌دهد (زرتشت، ص ۱۱۹-۱۲۰).

ارتباط میان قربانی با مراسم مربوط به مرگ در میان زرتشتیان امر قابل توجهی است. معمولاً در چهارمین روز پس از مرگ، مراسمی شامل قربانی برگزار می‌شود (Boyce2, p. 77-78). بنابر باور زرتشتیان، بدی، مرگ است و آیین یزشن شکوفایی زندگی و رشد آن را تسهیل می‌کند. به همین سبب این آیین معمولاً به مردگان تقدیم می‌شود و مربوط به آخرین روزهای سال است (موله، ص ۸۲).

قربانی با آیین‌های تشریف هم ارتباط دارد و این ارتباط را در مرگ زندگی بی‌معنی گذشته و وارد شدن فرد به مرحله‌ای جدید می‌توان یافت.

نشانه‌هایی از آیین قربانی هنوز هم در سفره‌های زرتشتیان وجود دارد. سفره‌هایی مانند سفره بی‌بی سه‌شنبه، سفره شاه پریان و سفره پیر وهمن روز، آیین‌های کهن زرتشتی را به شکلی در خود حفظ کرده‌اند. در سفره پیر وهمن روز، گوسفند قربانی می‌شود. این سفره در روز وهمن از هر ماه اجرا می‌شود. آیین قربانی کردن گوسفند در روز اورمزد و خوردن گوشت آن در روز اردیبهشت برگزار می‌شود (مزدپور، فرنگیس، ص ۳۸۳-۳۸۷).

در توضیح تحول قربانی نزد زرتشتیان ایران می‌توان گفت از آنجایی که پارسیان مهاجر، در میان هندوها و جین‌های گجرات، اقلیتی کوچک بودند، زودتر مجبور شدند قربانی کردن حیوانات را کنار بگذارند. با این حال شواهد و مدارکی موجود است که نشان می‌دهد در قرن ۱۲ میلادی آنها سرسختانه به اجرای مراسم خود می‌پرداختند (Boyce1, p. 105).

هاوک در قرن نوزدهم (احتمالاً با قدرت موبدی) می‌نویسد که آنها پیش از این از یک تکه گوشت به جای یک تکه کره در مراسم یزشن استفاده می‌کرده‌اند، گذشته از این با استفاده از فعل ماضی می‌گوید قربانی کردن حیوانات برای اجرای کامل مراسم گاهنبار ضروری بود (Haug, p. 281-285). بدین ترتیب، پیشکش کردن چربی گوسفند یا بز که زوهر یا زور نامیده می‌شد و در گذشته به آتش تقدیم می‌شد، در میان پارسیان آن زمان نیز متداول بوده است.

به نظر می‌رسد در قرن حاضر، تنها اهدای چهارم<sup>۱</sup> (قربانی که در روز چهارم پس از مرگ انجام می‌شود) بر جای مانده است. دابار در دهه ۱۹۲۰ می‌گوید: در روستاهای معینی از گجرات به پارسیان مجوز خاصی داده می‌شد که فقط در این موقعیت یک بز را سر ببرند و به همین دلیل آنها را bokrā-kāpu یا «قاتلان بزها» می‌خواندند. وی اضافه می‌کند که این رسم پس از مدتی منسوخ شد (Dhabhar, p. 261).

زرتشتیان ایران که در میان مسلمانان می‌زیستند، تا پیش از برقراری ارتباط با هم‌کیشان پارسی خود در اواخر قرن نوزدهم، برای پایان دادن به قربانی حیوانات، تحت فشار نبودند. تا آن زمان، قربانی کردن حیوانات آن‌گونه که در اوستا و کتاب‌های پهلوی و

نیز در روایت‌ها توصیه شده است، انجام می‌شد. البته همان‌گونه که گفته شد، هنوز هم این مراسم به شکل پراکنده برگزار می‌شود. اما امروزه نفوذ پارسیان و فضای حاکم بر دوران مدرن، بر اجرای این مراسم تأثیر گذاشته است.

مسئله قابل توجهی که در مورد قربانی در مراسم یزشن وجود دارد تحول آنچه قربانی می‌شود در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. در دوران قدیم قربانی خونین در مراسم یزشن وجود داشته است. ابتدا این کار شامل قربانی گاو بود، بعدها چهارپایان کوچکتری را قربانی می‌کردند، اما اکنون قربانی اصلی را هوم یا هئومه تشکیل می‌دهد که یک قربانی غیر خونین محسوب می‌شود. فدی‌های دیگری نیز علاوه بر هوم در مراسم یزشن نثار می‌شوند که از اهمیت کمتری برخوردارند. روند تغییرات انواع قربانی در هند و ایران متفاوت و در نتیجه حاصل آن نیز متفاوت است. بسیاری از دانشمندان بر این عقیده‌اند که قربانی خونین در مراسمی که اکنون آن را با نام یزشن یا یجنه می‌شناسیم نزد هندی- ایرانیان نخستین وجود داشته است، سپس زرتشت آن را منع کرده و به تدریج قربانی غیر خونین جانشین قربانی خونین شده است. اما عده‌ای دیگر از محققان این نظر را رد می‌کنند و بر این باورند که نه قربانی‌های خونین و نه یزشن هوم در گاهان (توسط زرتشت) رد نشده‌اند و تنها کشتن گاو بر خلاف آیین<sup>۱</sup> منع شده است و حتی در چند متن اوستایی از جمله «پاشک نسک»<sup>۲</sup> که مفقود شده است در مورد این مسئله که کدام بخش از بدن قربانی به کدام ایزد تقدیم شود مطالب مفصلی وجود داشته است.

### قربانی نزد ایرانیان غیر زرتشتی

قربانی نزد مسلمانان ایران همچنان رواج دارد. مسلمانان از بزرگترین جوامعی هستند که آیین قربانی در سطح وسیع را حفظ کرده‌اند. آنان به ویژه در روزی که به عید قربان معروف است، عمل قربانی را انجام می‌دهند. رایج‌ترین قربانی نزد آنان قربانی گوسفند است. صابئین مندائی نیز که در ایران زندگی می‌کنند رسم قربانی حیوانات را حفظ کرده‌اند. آنان شتر، خوک، پرندگان چنگال‌دار، گراز، گاو، اسب و گوسفند ماده را قربانی

۱. مثلاً کشتن چهارپا پیش از سن ۳ یا ۴ سالگی یا کشتن گاو باردار.

نمی‌کنند و به طور کلی حیوانات ماده را نمی‌کشند. از نظر آنها حیواناتی که روی زمین راه می‌روند از پرندگان پست‌تر هستند و می‌شود آنها را کشت (محب، ص ۱۲۷-۱۲۸). نزد مندائیان ذبح کردن در شب حرام است، همان‌گونه که در دین زرتشتی نیز آیین‌های نیایش و قربانی در شب محکوم است و باور بر این است که سود چنین آیین‌هایی به دیوان می‌رسد. آنها معتقدند پیش از قربانی کردن باید حیوان را شست و دست‌های قربانی‌کننده و حیوان قربانی را سه بار می‌شویند. قربانی‌کننده باید در زمان انجام قربانی لباسی پاک بر تن کند. این مراسم تنها می‌تواند توسط روحانی انجام شود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح‌شده در مقالهٔ حاضر، می‌توان گفت قربانی به عنوان یکی از اصلی‌ترین آیین‌های نیایشی بشر نزد اقوام مختلف جهان از جمله هندی - اروپاییان شکل گرفته و به شیوهٔ خاص خود رشد یافته است، اما در روند این شکل‌گیری عوامل متعددی از جمله زمان، مکان، قوانین، همسایه‌ها، مراودات و بسیاری عوامل دیگر مؤثر بوده‌اند که سبب شده‌اند آیینی که در ابتدا یک شکل و صورت داشته است، در نهایت به صورت‌های بسیار متفاوتی نزد اقوام ایرانی، هندی و نیز اروپایی دیده شود.

### منابع

- پاشایی، ع.، بودا: زندگی بودا، آیین او و انجمن رهروان او، گزارش متن‌های کانون پالی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۳.
- روایت پهلوی، ترجمهٔ مهشید میرفخرایی، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- زهر، آر. سی.، طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمهٔ تیمور قادری، فکر روز، تهران، ۱۳۷۵.
- شایست ناشایست، به کوشش کتابیون مزداپور، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰.
- محب، راضیه، «خوراک‌های آیینی در مناسک صابئین مندائی»، تا به خورشید به پرواز بدم، یادنامهٔ حمید محمادی، به کوشش کتابیون مزداپور و هایدی معیری، تهران، ۱۳۸۷.
- مزداپور، کتابیون، مقدمه بر شایست ناشایست، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰.
- مزداپور، فرنگیس، «درآمدی بر سفره‌های مقدس زرتشتی»، یاد بهار، آگه، تهران، ۱۳۷۶.



موله، م.، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، توس، تهران، ۱۳۸۷.  
 نیبرگ، هنریک ساموئل، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم آبادی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ۱۳۸۳.

- Aiyangar, Natayan, *Essays on Indo-Aryan Mythology*, New Delhi, 1987.
- Benveniste, Emile, *Indo-European Language and Society*, London, 1973.
- Boyce1, Mary, "Ātaš-zōhr and Āb-zōhr", *Journal of the Royal Asiatic Society (JRAS)*, London, 1966.
- Boyce2, Mary, "Haoma, Priest of the Sacrifice", *W. B. Henning Memorial Volume*, London, 1970.
- Cama1, K. R., "Comparison of the Laws of Ormuzd with with the Laws of Jehova", *The Collected works of K. R. Cama*, Bombay, 1970.
- Cama2, K. R., "The Mithraic Worship and the Rites and Mysteries connected with it", *The Collected works of K. R. Cama*, Bombay, 1970.
- Campanile, Enrico, "The Indo-Europeans: Origins and Cuture", *The Indo-European Languages*, ed. Anna Giacalone Ramat and Paolo Ramat, London and New York, 1998.
- Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādīstān ī Dīnik*, Bombay, 1913.
- Dubois, Abbe J. A., *Hindu Manners Customs and Ceremonies*, New Delhi, 2007.
- Haug, Martin, *Essays on the Sacred Languages, Writings and Religion of the Parsis*, second ed., London, 1878.
- Henninger, Joseph, "Sacrifice", *The Encyclopedia of Religion*, Ed. Mircea Eliade, New York, 1987.
- James, E. O., "Sacrifice", *The Encyclopedia of Religion and Ethics*, Ed. James Hastings, London-New York, 1926.
- Kashikar, C., G., "The Obscure in the Vedic Sacrificial Rituals", *Some Aspects of Indo-Iranian Cultural Traditions*, Delhi, 1977.
- Keith, Arthur Berriedale, *The Religion and Philosophy of the Veda and Upanishads*, Harvard Oriental Series, Delhi, Varanasi, Patna, 1976.
- Mallory, J. P., *In search of the Indo-Europeans: Language, Archeology and Myth*, London, 1990.
- Oldenberg, Hermann, *The Religion of the Veda*, Delhi, 1988.
- Puhvel, Jaan, "Aspects of Equine Functionality", *Myth and Law Among the Indo-Europeans*, ed. Jaan Puhvel, Berkeley, 1970.
- Sinha, S. N. and N. K. Basu, *The History of Marriage and prostitution (Vedas to Vatsyayana)*, New Delhi, 1992.
- Talley, Jeannine E., "The Threefold Death in Finnish Lore", *Myth and Law Among the Indo-Europeans*, ed. Jaan Puhvel, Berkeley, 1970.
- Ward, Donald, "The Threefold Death: An Indo-European Trifunctional Sacrifice?" *Myth and Law Among the Indo-Europeans*, edited by Jaan Puhvel, Berkeley, 1970.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ